

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل بیست و هشتم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیست و هشتم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهل فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل بیست و هشتم

تجزیه و تحلیل تکالیف خانگی^(۱)

هر هفته تکلیف خانگی باید داده شود. این تکالیف خانگی مزایای زیادی را دارد:

(۱) تکالیفی که بطور مرتب داده می شوند زمینه را برای انتظار ایجاد تغییر، فراهم می سازند. وقتی در انتهای جلسه، مشاور تکلیف خانگی که مربوط به آنچه مورد بحث قرار گرفته را می دهد، نا این کار نشان می دهد که انتظار بیشتری از تنها حرف زدن را دارد. معمولاً از جلسه اول تکلیف خانگی باید داده شود. عیسی مسیح نیز دائماً انتظار تغییر را می داشت و غالباً آن را در همان برخورد اول^(۲). هر چند امکان تغییر از همان جلسه اول کم است، چیزی ممکن است از همان آغاز عوض شده باشد. نتیجتاً در آغاز جلسات مشاوره باید با متقاضی این دو مورد مهم را در میان گذاشت: اول، نتیجه هر جلسه مشاوره طبیعتاً انجام کاری است که مطابق با کلام خدا می باشد، و دوم، از او انتظار می رود کوشش خود را در اجرای کلام خدا خواهد کرد.

ضروری است که از همان ابتدای کار، چنین زمینه ای را برای جلسات مشاوره بسازید. اشتباه بزرگی را که بسیاری مرتکب می شوند این است که فکر می کنند بهتر است پس از گذشت چند جلسه متقاضی را روی به انجام کار نمود. مشاوران باید این را درک کنند که الگوی جلسات آینده در جلسه اول ساخته می شود، و آن را به سادگی نمی توان تغییر داد.

نمودار زیر مسئله ای که در مشاوره دنیوی وجود دارد و برتری که مشاوره مسیحی در مقایسه با آن دارد را نشان می دهد.

تکالیف کوچک / تغییرات بزرگ

وقتی تکالیف کوچک و آسانی در جلسات اولیه داده می شوند، متقاضیان با سرعت حل مسائل را از طریق کلام خدا می آموزند. در نتیجه، امید از همان اوایل به کار مشاوره افزوده می شود.

شماره جلسات

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	
ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	ع ح	مشاوره
									مسیحی
← عادت به طریق مشاوره ای که در آن حرف به عمل منجر می شود									
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ع ح	ع ح	مشاوره های
									دیگر
← عادت به مشاوره ای که احتیاج به انجام کاری را ندارد									

الگوهائی که به آن ها عادت شده
(حرف = ح ، عمل = ع)

اصولی که از طریق حل مسائل ساده آموخته می شوند، می توانند برای حل مسائل مشکل بکار برده شوند.

در مواقعی مشاوران بخاطر عجله ای که به حل مسائل بزرگ دارند، فراموش می کنند که ممکن است برای بدست آوردن اطلاعات لازم ممکن است بیش از یک هفته لازم باشد. در نتیجه با در دست داشتن اطلاعات بی کفایت، مشاوره را به مخاطره می اندازند(۳).

علاوه بر، حتی وقتی اطلاعات لازم بدست آمد، شخص متقاضی ممکن است آماده (امکان و مشتاق) ادامه به جانب راه حل موضوع نباشد. با این حال، باید متقاضیان را به کار کشید، و در نتیجه بهتر است با مسائل کوچک و ساده شروع کرد. به این شکل نه تنها موفقیت به آسانی بدست می آید (امید را ایجاد می کند)، بلکه متقاضی از این موفقیت ها قدرت بدست می آورد تا بهتر بتواند به مسائل بزرگتر رسیدگی کند(۴). او به بخاطر موفقیت و نشاطی که بوسیله انجام خواست خدا بدست آمده، به مسائل بزرگتر روی خواهد آورد. امکان آنکه ترس کمتر و اعتماد و اطمینان بیشتر داشته باشد نیز زیاد خواهد بود(۵).

علاوه بر این، باید توجه داشت که تغییرات کوچک می توانند اثرات بزرگی را داشته باشند. وقتی موفقیت های کوچک بدست می آیند، نه تنها مسیر گرداب گناه بر عکس می شود، بلکه ممکن است یک یا دو تغییر اساسی نیز در او ایجاد گردد.

وقتی به عنوان مثال، زنی به شوهرش شک می ورزد و امیدش را از قسم هایش نسبت به تغییر از دست داده، تقریباً هر تغییری خوشایند خواهد بود. اما وقتی شلوارش را در کمد می گذارد، دندان هایش را می شوید و به حساب و کتاب های مالی رسیدگی می کند تمام برداشت این گونه متقاضیان تغییر می کند. به عبارت دیگر، نه تنها مسئله کوچکی حل شده، بلکه چاره بزرگی مانند تغییر برداشت زن از شوهر بدست آمده. موفقیت حاصل از حل مسئله کوچکی می تواند راه کاملاً مختلفی را بوجود آورده باشد. و نه تنها حل مسائل کوچک ممکن است روحیه متقاضی و اطرافیان او را تغییر دهد، بلکه علاوه بر آن، ممکن است نقطه عطف همکاری زن و شوهر، فرزندان و والدین تشکیل بدهد. معمولاً این گونه همکاری ها باید قبلاً ایجاد شده باشد تا بتوان روی به حل مسائل بزرگتر آورد. یک چیز مسلم است، اگر روحیه و همکاری مثبت باشند، صرف نظر از آنکه تأثیر وارده بزرگ یا کوچک است، آن همیشه خوب خواهد بود.

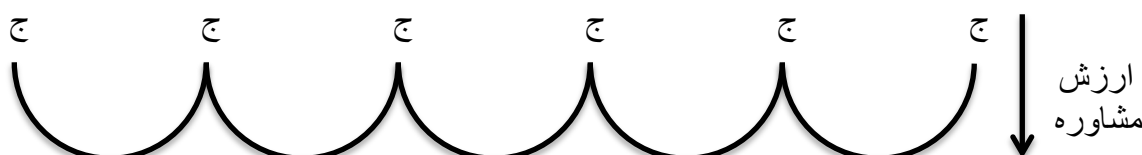
مسائل تک رشته ای در مقابل چند رشته ای

کار کردن با مسائلی که یک رشته ای هستند آسان تر از کار کردن با مسائل پیچیده چند رشته ای است. معمولاً مسئله یک رشته ای نیز تنها مسئله ای است که بتوان شروع کرد، چون ابعاد مسائل پیچیده هنوز در دست نمی باشند. چون مسئله یک رشته ای برای متقاضی ساده تر است که کار لازم را انجام دهد، این سادگی نسبی خود می تواند برای متقاضی موفقیت اولیه را امکان پذیر سازد، و بطوری که قبلاً اشاره کردیم موفقیت برای ایجاد تشویق و امید حیاتی است. چون مسائل تک رشته ای ساده تر از پیچیده ها می باشند، امکان آن را می دهند که متقاضی روند کار حل مسئله را بهتر ببیند (مثلاً فرار از مسئولیت، و غیره) و اساس آiatی که به آن مربوط می شود را درک کند. دیدن طریق عمل آیات کلام خدا امکان استفاده برای حل مسائل بزرگتر را نیز خواهد داد. و سرانجام، وقتی متقاضی شاهد کار همسرش سر مسائل می شود، نه تنها امید برای امکان

حل مسائل، بلکه بخاطر نشانه واضح آنکه مشغول چنین کاری است پرورش می یابد. حل چنین مسائلی (لباس ها را در کمد گذاشتن، و غیره) آنقدر آسان هستند که نیاز چندانی به تمرکز افکار ندارند. ابعادشان مشخص و بخصوص است که امکان می دهند متقاضی تمرکز بر خود مسئله نکند، بلکه بر روابط میانشان و طرق حل مسائل از طریق کلام خدا بکند. تغییرات کوچکی در مسیر بوجود می آیند می توانند تغییرات بزرگی در نگرش متقاضی بوجود آورند. در نتیجه، شکی نیست که مشاور باید تا جایی که امکان دارد از مسائل تک رشته ای شروع کند(۶).

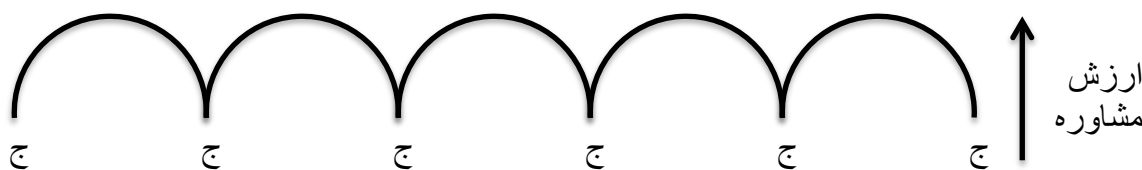
(۲) تکالیف انتظار ها را مشخص می کنند. وقتی تکالیف بر روی کاغذ نوشته شده باشند، کاری که متقاضی باید انجام دهد امکان کمی دارد تعبیرش اشتباه باشد یا گیج شود. همچنین باید به خاطر سپرد که اکثر متقاضیان دستخوش احساسات می باشند. در نتیجه، اگر تکلیف شفاهاً گفته شود نکاتی را نادیده می گیرند یا فراموش می کنند و یا آنچه می خواهند بشنوند را حفظ می کنند. ممکن است تمایل (یا نیاز) به برداشت نادرستی از تکالیف نیز داشته باشند. تکالیف نوشته شده مشاجره میان مشاور و متقاضی را به حد اقل می رساند. همچنین تکالیف نوشته شده مشاور را مجبور می کند تکلیف را واقعی، ساده، و واضح بنویسد. تکالیف نوشته شده کمک مشاور را توسعه می بخشد. در طول هفته، تکلیف داده شده نقش یادآوری از کار هایی که باید انجام شوند را بعهده می گیرد. در بسیاری از اوقات نقش مشاور را در طول هفته بعهده می گیرد.

(۳) تکالیف به مشاور امکان می دهند مشاوره بیشتر و سریعتری را انجام دهد. تکلیف نوشته شده کار مشاوره را سریعتر می کند. کار مشاوره تنها محدود به جلسات نمی باشد. در حقیقت کار در تمام هفته انجام می گیرد(۷). نتیجتاً کار مشاوره در میان جلسات فروکش نمی کند. در حقیقت تکالیف خانگی نشان می دهند که بیشتر کار توسط متقاضی و در میان جلسات صورت می گیرد. تغییر لازم در رابطه با شغل، همسایگان، خویشاوندان، و غیره، در خود جلسات صورت نمی گیرد. این کار باید خارج از جلسات انجام شود، و این تمرکزی است که تکالیف ایجاد می کنند.



جلسات = ج

نمودار بالا، مشاوره هایی که (مشاوره های دنیوی) تکیه بر خود جلسات می کنند را نشان می دهد. در این گونه مشاورات، ارزش مشاوره در زمان میان جلسات فروکش می کند. کل ارزش این گونه مشاورات تنها در زمانی است که جلسات صورت می گیرند. این گونه مشاورات (۱) اهمیت را بر خود کارشناس می گذارند، (۲) کاری را سریع انجام نمی رسانند، و (۳) متقاضیان را متکی بر کارشناس ("مشاور") می کنند.



جلسات = ج

در این نمودار بر خلاف نمودار قبلی، ارزش کار مشاوره را در زمان میان جلسات مشاهده می کنیم. این وقتی است که متقاضی خارج از جلسه مشغول انجام تکالیف خانگی است. در مشاوره مسیحی (۱) رابطه متقاضی با خدا و همسایه اش حائز اهمیت است نه با کارشناس (یا مشاور)، (۲) تمرکز بر زندگی که در حال انجام گرفتن است می باشد نه آنچه در جلسات مورد بحث قرار می گیرد، (۳) کار به سرعت انجام می شود چون برآورد هر کاری (تکالیف) در جلسه بعد ارزیابی می شود.

(۴) تکالیف نمی گذارند متقاضی وابسته^(۸) به مشاور بشوند. از همان آغاز، از متقاضیان انتظار می رود آنچه خدا از آن ها می خواهد را با تکیه بر قدرت روح القدس انجام دهند. مشاور کار را برای آنها انجام نمی دهد. او مربی آن ها است؛ او چوپانی است که گوسفندان را هدایت می کند. اما آن ها هستند که کار را انجام می رسانند. او اصرار دارد متقاضیان نجاتشان را با تکیه بر روح خدا به سمر برسانند.

فیلیپیان ۲

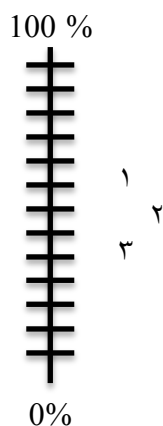
۱۲: پس ای عزیزان، همان گونه که همیشه مطیع بوده اید، نه تنها در حضور من، بلکه اکنون بسی بیشتر حتی در غیابم، نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید؛ (خط کشی از من است)

فرقی ندارد مشاور تا چه اندازه رهبری کند، وقتی انتظار از متقاضی می رود که در طول هفته کار را بجای آورد، وابستگی ایجاد نمی شود^(۹). تکلیف خانگی تمرکز را بر جایی می گذارد که باید باشد - بر مسئولیتی که متقاضی به خدا و همسایه خود دارد. این بر عکس شیوه "معلومات تخصصی" فروید می باشد^(۱۰).

(۵) تکالیف خانگی به مشاور و متقاضی امکان آن را می دهد که درجه پیشرفت را بسنجند. زمانی که اهداف بطور واضح روی کاغذ نوشته شده اند، میتوان به گذشته نگاه کرد و دید از کجا شروع کرده و به کجا دارد می رود. بعضی از متقاضیان خود را عادت می دهند تکالیف گذشته را مرور کنند. تکالیف نتیجتاً مشوق و امید را زمانی که پیشرفتی حاصل شده می دهند، و از جانب دیگر ممکن است در صورت فقدان پیشرفت، آن را شامل درجه اهمیت بیشتر کنند.

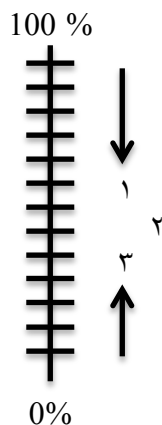
اندازه گرفتن پیشرفت می تواند شخص را گول نیز بزند. بعضی مشاوران درجه پیشرفت را در مقایسه با متقاضیان دیگر بدست می آورند. اعتبار این کار بسیار کم است. نهایتاً، مشاوران باید پیشرفت را بر طبق مطالبات کلام خدا بسنجند. با این حال، وقتی یک متقاضی پیشرفتی را حاصل می کند، ممکن است بنظر برسد که پیشرفت او بیشتر از متقاضی دیگر است، در صورتی که در حقیقت پیشرفت خوبی را نکرده. بعنوان مثال، به نمودار زیر توجه کنید. کدام متقاضی بنظر می آید که بالا ترین پیشرفت را دارد می کند، متقاضی شماره ۱، ۲، یا ۳؟

پیشرفت زندگی بر اساس معیار کلام خدا



شاید فکر کنید شماره ۱ بالاترین پیشرفت را کرده است. اما وقتی نگاه به پیشرفت شش ماه گذشته این متقاضیان بکنید، قضاوت پیشرفتشان را باید تغییر بدهید. در نمودار فوق، پیشرفت در یک لحظه زمان سنجیده نشده، بلکه آن را در شکل جریان پیشرفت (بطور مثال شش ماه گذشته) نشان داده است (۱۱).

پیشرفت زندگی بر اساس شش ماه گذشته



در این نمودار میبینیم که شماره ۳ بیشترین قدم ها را در جریان پاکسازی بدست آورده. شماره ۱، با وجود آنکه در بعضی موارد در درجه بالاتری می باشد، در موارد دیگر عقب افتاده است. او یقیناً مسیر غلطی را دنبال کرده. شماره ۲ نیز، در جای خود باقی مانده. اما شماره ۳ مسیحی شده، رشد زیادی کرده، و کماکان در جهت صحیح پیش می رود. یقیناً این نمودار کمبود هائی را در نشان دادن جریان پاکسازی دارد، اما من یک مورد را باید روشن کنم: نمی توان در مورد پیشرفت پاکسازی با نگاه به آنکه شخص در یک نقطه زمان کجا است، آن را سنجید. باید دانست از کجا آمده و در چه سمتی حرکت می کند.

از آن جایی که تکالیف، جزئی از معیار پیشرفت می باشند، مورد های دیگری را می توان به آن اضافه کرد تا برداشت بدست آمده را مستحکم نماید. نشانه های ظاهری (مانند شاداب، با امید، مطمئن، شوق و ذوق، ظاهر بهتر^(۱۲)، یا بر عکس این ها) نشانه قوی از پیشرفت مثبت یا منفی می باشند. جواب به سؤالات ساده ای چون: ”خوب، هفته پیش چطور گذشت؟“ نیز می توانند سودمند باشند و باید استفاده شوند. اما با این حال، جواب به همه این گونه سؤالات را باید با دقت ارزیابی کرد. اگر زن خانه داری بطور مثال، هنوز شک نسبت به اعلام همکاری شوهرش در بازسازی زندگی زناشویی دارد، ممکن است کوشش او را کم بشمارد. در هر پیشبردی، اگر بقدر کافی پژوهش گردد، می توان اشکالات زیادی را یافت (”بله تو هر شب سر موقع به خانه برگشتی، اما تکلیف سطل آشغال چه شد؟“). مشاور در چنین وقتی باید اهمیت پیشرفت را تذکر بدهد و اجازه چنین بی ارزش شمردن ها را ندهد (شما باید توجهتان را متمرکز پیشرفتی که در راه خدا شده بکنید نه آن را با رفتاری که هنوز بررسی نکرده ایم بی ارزش کنید)^(۱۳).

البته نباید فراموش کرد که امکان اعلام پیشرفت از جانب کسانی که آرزوی آن را دارند یا می خواهند زودتر از موعد مشاوره را ترک کنند نیز وجود دارد. هر وقت مشاورى بنظرش می آید که با چنین موقعیتی روبرو است، لازم است سریعاً به آن پردازد. صحبت های مشاور با متقاضی ممکن است این گونه باشند:

مشاور: ”خوب، هفته پیش چطور گذشت؟“

متقاضی: ”خوب، این هفته خوبی بود.“

مشاور: امیدوارم صحیح گفته باشید؛ راستش این مرا متعجب می کند چون فکر می کردم هفته مشکلی را سپری کرده باشید. بگوئید به چه دلیل هفته خوبی بود^(۱۴)“

متقاضی: ”هفته گذشته دعوائی با هم نداشتیم“

متقاضی: ”خوب، ولی آیا بحرانی ایجاد شد؟ مسئله ای را با هم حل کردید بدون آنکه راجع به آن با هم دعا بکنید؟“

متقاضی: ”نه، هفته آرامی بود. در حقیقت من پنج روز بخاطر کاری که داشتم از خانه بیرون بودم“

متقاضیان هر دو راست می گفتند. هفته آرامی را گذشته بودند. اما نه چون پیشرفت کرده بودند. هیچ نشانه ای از آن نیست. آن ها تنها از برخورد با هم (عمداً یا نه^(۱۵)) دوری کرده بودند. مشاور باهوش این مورد را توضیح خواهد داد که درست است که برخوردی در هفته گذشته ایجاد نشد و باید هم اینطور باشد، اما نباید فکر کنند که پیشرفتی حاصل شده است. هیچ امکانی برای ایجاد برخورد وجود نداشته بود. و سپس می تواند بگوید، ”خدا در مشیت الهایش هفته آسانی را به شما داد؛ شاید وقت استراحتی را بشما داد تا در هفته آینده موقعیت های مشکلتری را بدست بگیرید. حال، اگر مواجه با مسئله شدید،“

(۶) تکالیف این امکان را به مشاور می دهند که به مسائلی که متقاضی با آن ها روبرو می شود رسیدگی کند. بطوری که قبلاً دیدیم، از تکالیف خانگی می توان به طرق مختلفی برای بدست آوردن اطلاعات استفاده کرد. چون مشاور خود تکالیف را طرح و ارجاع می کند، او خود شرایط انجام کار ها را برای متقاضی مستقر می نماید. چون او خود اهداف روحانی را مشخص کرده، راه حل های کتاب مقدس را تعیین کرده، و محدوده انجام کار را مشخص کرده، او می تواند دقیقاً بفهمد مسائل ایجاد شده کدامند، از کجا سرچشمه گرفته اند، و چه زمانی پیشرفت ها حاصل شده اند. وقتی متقاضی کار های محول شده به خود را بطور صحیح انجام نمی دهد، مشاور بخوبی می تواند دریافت کند مسئله او کجاست. به عبارت دیگر، برداشت الگو های زندگی متقاضی تنها متکی به آنچه خود می گوید نیست، بلکه هر چه گفته از طریق تکالیف می تواند ثابت شود.

وقتی مشاور خود اوضاع را بنا ساخته، نه تنها اطلاعات زیادی را از طریق تکالیف می تواند بدست آورد، بلکه اطمینان بیشتری از تجزیه و تحلیل مسائل متقاضی بدست آورد. بعنوان مثال، اگر جلسات زیادی سپری شده، اما پیشرفت واقعی بخاطر نا همکاری یکی از طرفین مانع شده، شکی نخواهد بود که این مسئله کماکان ادامه دارد. حال اگر برداشت آنکه این مسئله از قدیم در میان زوج وجود داشته ممکن است مشکوک بنظر می رسد اگر تنها متکی به برداشت متقاضیان بود. آنکه مسئله کماکان وجود دارد مشکوک بنظر می رسد. اما جواب به سؤالات تکالیف این شک ها را از میان می برد. برگه فوق (ورقه مسئله/راه حل) را نیز می تون برای شناخت الگو های فعلی زندگی استفاده کرد.

ورقه (مسئله / راه حل)

نام متقاضیان -

چه اتفاقی افتاد	من چه کردم	چه باید می کردم	حال چه کار باید بکنم
(شرح مسئله)	(شرح دهید)	(آیات مربوط)	(قدم های لازم)

این ورقه را در قسمت ضمیمه ها می توانید پیدا کنید

برگه دیگری که می توان استفاده کرد "افشای الگو های زندگی" است که راجع به آن در فصل پنجم صحبت شده است. هر دو این برگه ها را می توان بعنوان تکلیف خانگی به متقاضی داد تا الگوهای گناه آلود را بتوان شناخت. در ضمن ارزش زیادی را که فهرست و برنامه ها دارند را فراموش نکنید(۱۶). این راه های مختلف طرح تکالیف، تنها تعدادی از آنچه تا بحال در مشاوره مسیحی استفاده شده اند می باشند.

تکلیف خانگی کمکی است برای مشاور

مشاوری که آخر هر جلسه به متقاضی تکلیف خانگی می دهد مشاوره خود را شامل انضباط و کنترل خود قرار می دهد. بیش از هر اقدام دیگری، او را در مسیر نگاه می دارد. در نتیجه از یک نظر تکالیف برای متقاضیان پر ارزش است چون این امکان را به مشاور می دهد که کارش را به درستی انجام رساند. با وجود آنچه تا بحال راجع به تکالیف گفته شده، باید کمک هائی را که آن به مشاور می دهد را باز گو کرد.

اولاً، دادن تکلیف خانگی به مشاور کمک می کند تا هدف هر جلسه را در مد نظر خود نگاه دارد (کار مطابق کلام خدا را که متقاضی باید انجام دهد تا مسئله بخصوصی را حل کند). به این شکل مشاور را آگاه نگاه می دارد تا نه تنها راجع به مسئله صحبت کند، بلکه راجع به راه حل کلام خدا نیز صحبت کند. تکلیف خانگی نتیجتاً کمک می کند تا جلوی تنها حرف زدن راجع به مسئله، که مخرب کننده می باشد جلوگیری کند(۱۷). تکلیف خانگی مشاور را آن گونه راهنمایی می کند تا راجع به الگو های زندگی، مطابق با کلام خدا فکر کند؛ او را به جانب کلام خدا هدایت می کند. تکالیف لزوم فکر کردن راجع به جنبه عملی کلام خدا را می کند. نتیجتاً مشاور مجبور می شود به جای آنکه بطور جامع، با مسائل بطور خاص برخورد نماید. تکالیف مؤثر همیشه عملی هستند؛ به زندگی واقعی مربوط می شوند. عمومیت ها زمانی بهتر قابل فهم می گردند که مسائل جنبه خاص مربوط به متقاضی را بعهده می گیرند.

و بالاخره، تکلیف خانگی وسیله خوبی را برای آغاز هر جلسه فراهم می سازد، و باعث پیوستگی جلسات مشاوره می گردد. در نتیجه، هر جلسه به تمامی و منطقی به جلسه دیگر ربط پیدا می کند. متقاضی وقتی می شنود: "خواهش می کنم تکلیف خانگی را بمن بدهید. متشکرم. حال ببینیم راجع به چه کردید"(۱۸)، به خوبی جریان کار مشاوره را درک می کند.

در اتمام جلسات مشاوره، کارنامه ای از کل تکالیف ایجاد شده در دست مشاور خواهد بود. این کارنامه باید بدست متقاضی نیز برسد، و مشاور از او بخواهد از آن نگهداری کند تا شاید روزی رجوع به آن لازم گردد.

یکی از موضوع های مهم مسئله شکست های آینده است. چگونه متقاضی به مسائل آینده رسیدگی خواهد کرد بستگی زیادی به آنچه در دوره مشاوره آموخته خواهد داشت. تاریخچه آنچه آموخته در تکالیف ثبت شده است. در بعضی مواقع تنها چیزی که لازم خواهد داشت یادآوری است که از طریق این تکالیف بدستش خواهد رسید. در نتیجه، تکالیف خانگی عنصر عمده بر طرف کردن نیاز متقاضی در آینده به مشاوره است.

قصور در انجام تکالیف خانگی

اگر متقاضی تکلیف خانگی را انجام نداده، مشاور می تواند به دو طریق جواب بدهد. ابتدا، می تواند بپرسد، "آیا دلیل آنکه تکلیف خانگی انجام نشد بخاطر کمبود انگیزه بود؟". اگر چنین بوده، آنوقت جلسه را می توان بر اساس آن آغاز کرد. شاید مشاور از یادش رفت امید را به او بدهد. ممکن است متقاضی صد معبری را دیده که باید ابتدا از میان برود. بعضی مواقع، وقتی دلیل انجام نرساندن تکلیف از او پرسیده می شود، او به صراحت می گوید که اهمیتی برای آن قائل نیست چون مطمئن نیست فایده ای داشته باشد. در نتیجه مشاور باید سعی کند او را از طریق کلام خدا تشویق و هشدار بدهد. معمولاً این نیاز به نصیحت و تشویق زیاد دارد و ممکن است نیاز به سرزنش و توبیخ نیز داشته باشد. مشاور در این رابطه به متقاضی گفت، "اگر جشن عروسی یا میهمانی را لازم بود بروید، به طریقی خود را به آنجا می رساندید، مگر غیر از این است؟ این کار به همان قدر اهمیت دارد، و حتی بیشتر" (۱۹). نوع دیگری از تشویق بطوری که قبلاً صحبت از آن شد این است که مشاور به او کمک تا موفقیتی را در ابتدا از طریق انجام کلام خدا بدست آورد. نشان دادن به او که مسائل را میتوان از طریق کلام خدا حل کرد سد معبر بزرگی را بر می دارد (نظریه رایج بر آنکه کلام خدا قابل استفاده و عملی نیست).

اما در بعضی مواقع وقتی تکلیف خانگی انجام نشده مشاور لازم است دست از مشاوره بکشد. ممکن است لازم بداند بگوید، "خوب، پس قسمت اول این جلسه را حذف می کنم تا شما به اطاق دیگر بروید و تکلیف خانگی را انجام بدهید. بعد از نیم ساعت به جلسه برگردید و به من نشان بدید چه کار کردید". با حذف جلسه به این شکل، مشاور برای متقاضی روشن می کند که کارهای محوله باید انجام بگیرند تا جلسات ادامه پیدا کنند. او نشان می دهد که وقتی تکلیف خانگی را میدهد، جداً انتظار انجام آن را دارد. به این شکل، مشاور موفقیت متقاضی را مطمئن می سازد، و در صورت عدم موفقیت، مسئولیت را در جایی می گذارد که باید باشد. او نباید بگذارد روحیه ضعیف در جلسات مشاوره رخنه کند.

ممکن است موقعیتی نیز پیش آید که با وجود تشویق و هشدار در خصوص انجام تکالیف، دو یا سه هفته پی در پی تکالیف انجام نشوند. در این صورت، مشاور باید متقاضی را مرخص کند تا زمانی که او آماده همکاری بگردد (۲۰).

از طرف دیگر، ممکن است متقاضی تکلیف خانگی را انجام نداده چون نمی داند چطور باید انجام بدهد. ممکن است او و مشاور امکانات او را در انجام تکلیف خانگی زیاد بر آورد کرده اند. همچنین شاید مشاور تکلیف خانگی را واضح نه نوشته یا بقدر کافی شرح نداده است (۲۱). بحث در مورد انجام ندادن تکلیف خانگی مسائل جدید را زودتر از هر چیز دیگر مکشوف می کند. نتیجتاً، مشاور نباید ناامید شود از آنکه متقاضی تکلیف خانگی را انجام نداده. بلکه حکیمانه است که از چنین وضعی برای سود متقاضی استفاده کند.

برای آنکه حد اکثر استفاده را از این واقعه بشود، لازم است کوششی که متقاضی برای انجام تکلیف خانگی کرده را قدم به قدم مرور کنید تا بتوانید ببینید دقیقاً چه باعث درماندگی او شده. وقتی روز، هفته، یا دوران دیگری را بازرسی می کنید، معمولاً در جریان کار الگوهای رفتار غلط بسیاری مکشوف می شوند. حکیمانه است که آن ها را در قسمت دستور جلسه خود یادداشت کنید و در موقعیت مناسب به آن ها رسیدگی نمائید.

بعضی مواقع وقتی دلیل آنچه باعث انجام ندادن تکلیف خانگی فاش می گردد، مشاور با مسئله عمده ای در متقاضی روبرو می شود. اما مشاوران باید بتوانند فرق میان مانعی که باعث انجام نرساندن تکلیف خانگی و بی میلی محض او هست را تمیز بدارند. معمولاً وقتی مشاور معلوم می

سازد که متقاضی حقیقتاً سعی کرده آن را انجام دهد، این فرق آشکار می گردد. این سعی و کوششی متقاضی نیز بطوری که قبلاً گفته شد با مرور قدم به قدم مکشوف می گردد.

وقتی بی میلی متقاضی بنظر می رسد که باعث انجام ندادن تکلیف خانگی شده، مشاور ممکن است از خود (و شاید متقاضی) بپرسد: (۱) آیا افراد حقیقتاً یکدیگر را بخشیده اند؟ غالباً دلیل آنکه تکالیف بطور سراسری انجام می شوند این است که زن یا شوهر در حقیقت برایشان اهمیت ندارد آن را انجام دهند. اگر بخشش واقعاً در خواست یا داده نشده، آن وقت دلیل ندارد بکار ادامه داد تا آنکه این موضوع حل شده گردد. قبل از آنکه میل و اشتیاقی که لازمه ایجاد کوشش واقعی است بوجود آید، کار بخشش باید ابتدا انجام شده باشد.

(۲) مشاور همچنین باید از خود بپرسد، ”آیا امید وجود دارد؟“. معمولاً نداشتن امید باعث کمبود کوشش می گردد. وقتی امید وجود نداشته باشد، متقاضیان به راحتی دست از کار می کشند. تلاش بادوام و با پشت کار از امید ایجاد می شود. ایمان منجر به کار می شود، محبت نیز منجر به ابراز آن می شود، اما پشت کار تنها زمانی ایجاد می گردد که امید ایجاد شده باشد.

اول تسالونیکیان ۱

۳: و پیوسته در حضور خدا و پدر خود، عمل شما را که از ایمان ناشی می شود و محنت شما را که محرک آن محبت است و پایداری شما را که از امید به خداوندان عیسی مسیح الهام می گیرد، به یاد می آوریم.

اگر کمبود ایمان وجود دارد، متقاضی ممکن است روحیه ”چه فایده ای دارد؟“ را بدست آورد (۲۳). (۳) آیا متقاضی مسیحی واقعی هست؟ بی میلی ممکن است بخاطر این مسئله اساسی بوده باشد. از شخص بی ایمان نمی توان انتظار داشت خواست خدا را اجرا نماید (۲۴).

(۴) آیا متقاضی بخاطر ترس است که نمی تواند کار را انجام رساند؟ ترس یا نگرانی می تواند بکلی از سعی و کوشش بکاهد. باید به ترس یا نگرانی رسیدگی کرد. باید امیدی را که در کلام است بکار برد تا روح القدس محبت به خدا را ایجاد کرده و ترس از خدا را که همه نوع ترس دیگر را خنثی می کند را ایجاد نماید. البته فراموش نکنید که ترس تنها از طریق صحبت راجع به آن از بین نمی رود. با انجام خواست خدا در ایمان، که تکیه بر وعده های کلام خدا می کند است که ترس ممکن است جایگزین گردد. از آن جایی که مشاور ممکن است مسیر را تغییر دهد تا ابتدا به موضوع ترس رسیدگی کند، نباید فراموش کند که ترس را نمی تواند بدون دادن تکلیف خانگی مربوط به آن، از میان بردارد (۲۵).

خلاصه مطالب

بعضی مواقع وقتی متقاضیان نمی توانند تکلیف خانگیشان را انجام دهند دلسرد می شوند، یا وقتی نتوانسته اند پیشرفتی را بدست آورند دوباره به همان الگوهای گناه آلودشان باز می گردند. مشاوران مسیحی باید آماده رسیدگی به این گونه مسائل باشند و انتظار این مسائلی را نیز به دفعات داشته باشند. مسئولیت مشاور این است که به متقاضی کمک کند تا همه مسائل خود را بشناسد و آن را از شکست تبدیل به برکت و سرمایه کند. او به سادگی می تواند هر دو را به این طریق انجام دهد: (۱) گناه را ”گناه“ نام ببرد. دوباره باید تذکر بدهم که اگر گناهی با نام دیگری (و یا با اهمیت کمتری) معرفی شود، با عواقب ناگوار بیشتری همراه خواهد شد. متقاضی خود می داند که

شکست او جدی است. اگر مشاور آن را تا حدودی کمتر جلوه نماید، متقاضی تصور خواهد کرد کمکی که دارد دریافت می کند مناسب با وضع موجود نیست، و در نتیجه، کمک او حقیقتاً به درد نخواهد خورد. اما از طرف دیگر، اگر انجام ندادن تکلیف خانگی را امری جدی نام ببرد، در حالی که امید را نیز ایجاد کرده است، متقاضی امکان بیشتری دارد دوباره سعی خود را بکند. (۲) به متقاضی اطمینان بدهد که در مشیت الهی؛ که می تواند حتی خشم انسان را موجب ستایش خود گرداند (مزمور ۷۶: ۱۰)، این شکست را تبدیل به پیروزی بگرداند. بهترین راه انجام این کار نیز از طریق تفحص قدم به قدم آنچه روی داده می باشد. وقتی حقایق معلوم گردید، راهی مطابق با خواست خدا را می توان طرح کرد تا زمانی که دوباره تکرار شد، از آن استفاده شود ("شما کنترل اعصابتان را قبل از آنکه بگوئید عصبانی شدید و دلیل آن را بازگو کردید، خشمگین شدید. بیاد داشته باشید در آینده وقتی حس می کنید دارید خشمناک می شوید، این دو کار را انجام دهید: (۱) با دعای مختصر از خدا بخواهید کمک کند بر اعصابتان مسلط شوید، (۲) بلافاصله به همسرتان بگوئید، قبل از آنکه به نقطه غلیان خشم برسید. شما سیمین خانم نیز بیاد داشته باشید باید همراه سعید خان به دور میز کنفرانس بنشینید و پس از خواندن افسسیان ۴: ۲۵ تا ۳۲، مسئله تان را طبق کلام خدا حل کنید. اگر هر یک از شما فراموش کرد این کار را بکند، آنکه بیاد دارد باید به میز کنفرانس رفته و در انتظار دیگری بنشیند. این کار نشان خواهد داد که مایل هستید در مورد مسئله پیش آمده مانند یک مسیحی گفت و گو کنید").

البته، شاید لازم به تکرار نباشد ولی برای یاد آور شدن دوباره به آن تاکید می کنم؛ اساس کار را نباید فراموش کرد که ابتدای هر کاری لازم است نسبت به گناه انجام شده اعتراف به خدا صورت بگیرد، سپس اشکالات ایجاد شده با دیگری باید حل شود، و تنها بعد از آن طرح پیش گیری در آینده فراهم شود. به عبارت دیگر، باز سازی مساوی است با توبه بعلاوه میوه مناسب آن. ضمناً نباید فراموش کرد که فرسودگی، بی خوابی، و کسالت جسمانی نیز باعث انجام نرساندن تکلیف خانگی می شوند. این نکات واضح که در بعضی مواقع نادیده گرفته شده را نیز بررسی کنید.

نتیجتاً، دادن تکلیف خانگی از جلسه اول امکان را به مشاور می دهد که بداند (۱) کیست که میل و امکان انجام خواست خدا را دارد، (۲) کیست که میل دارد ولی نمی تواند خواست خدا را انجام دهد (و چه موانعی بر سر راه او است)، و (۳) چه کسی مایل نیست.

نکته دیگری که باید راجع به عدم انجام تکلیف خانگی نام برد این است که بعضی افراد تنها بخاطر حضور در جلسات به مشاوره مسیحی رجوع می کنند، نه دریافت برکت از آن. وقتی او تنها می خواهد صحبت کند (معلوم است که از حضور در جلسه راضی است ولی نمی خواهد کاری انجام دهد)، در بعضی مواقع وقتی بگوئیم، "شاید وقت بیشتری را برای انجام تکالیف لازم دارید. بهتر است زمان میان جلسات را به این خاطر طولانی کنیم. من شما را سه هفته دیگر خواهم دید"، ممکن است تشویق به انجام کار بشود. یا با پیشنهاد دیگر، "هر وقت تکلیف خانگی را انجام دادید به من زنگ بزنید تا برای شما قرار ملاقات دیگری را بگذارم". شاید وقتی متقاضی بخاطر تعیین وقت جلسه دیگر تکلیف خانگی را انجام دهد، نتایجی را ببیند که امید بخش است و تشویقی برای انجام دادن تکالیف آینده شود.

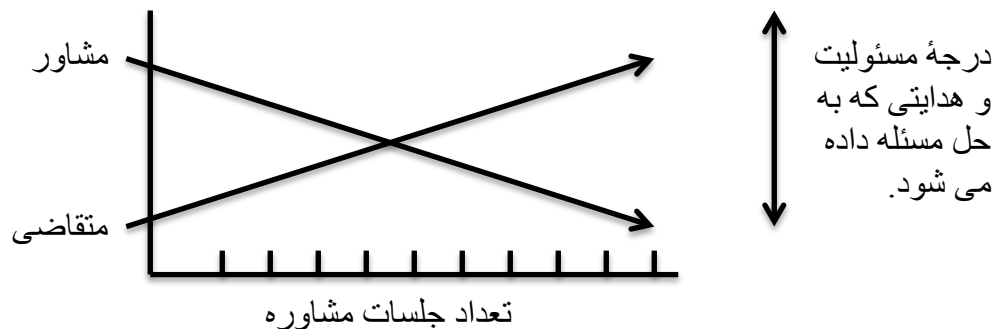
نمونه تکالیف داده شده (۲۶)

- (۱) (۲۷) فهرست گنا‌هانی که تا بحال مرتکب آن شده اید را تهیه کنید.
(الف) آنچه توبه نشده و و بخشیده نشده
(ب) آنچه برای شما مشکل است ترک کنید (این تکلیف خانگی برای شخص مجرد بود)
(۳) تاریخچه ای از هر بار که عصبانی شدید را برای خود بسازید.
(الف) بخاطر چه مسائلی عصبانی شدید؟
(ب) با چه کسی عصبانی شدید (این فهرست را در فرم "افشای الگوی مسئله" یادداشت کنید (۲۸)).
- (۱) هر چه اطوکاری دارید را تا هفته آینده انجام دهید (۲۹).
(۲) "نامه ای برای پرویز بنویسید و در آن از او طلب بخشش کنید، با فرض بر آنکه ابتدا نسبت به گنا‌هی که به او کرده اید توبه کرده اید و از خدا طلب بخشش کرده اید".
(۳) "تاریخچه ای از مقدار خواب بدون وقفه ای که در هفته آینده خواهید داشت را برای خود بسازید. دقیقاً وقفه ای که در خواب ایجاد شده (ساعت و طول آن) را یادداشت کنید".
(۷) "امشب وقتی به خانه بر می گردید، تکالیف خانگی خودتان را برای هفته آینده خودتان طرح کنید. سپس هر یک را انجام دهید. سعی کنید هر تکلیف خانگی که برای خود فراهم می سازید مربوط به مسئله خاصی باشد".
- (۳) با یکدیگر، همراه با سر سپردگی نسبت به قوانین گردهم آبی دور میز (۳۰)، سه جلسه گردهم آبی را در هفته آینده انجام دهید و تعداد شش قلم از آسان ترین مسائل یادداشت شده را مطابق با کلام خدا حل کنید (سه مسئله از هر ستون). بیاد داشته باشید که توافق جزء تکلیف خانگی داده شده می باشد. در صورتی که نمی توانید مسئله ای را حل کنید، دلیلی که باعث آن شده را یادداشت کنید. بیاد نیز داشته باشید که حل هر مسئله را جداگانه یادداشت نمایید.
- (۳) فرم "آیین رفتار فرزندان" را برای خانه خود تهیه کنید. ولی آن را در این هفته اجرا نکنید. فرم تهیه شده را در جلسه آینده با خود بیاورید تا مشاور پیشنهادات خود را داده و آن را همراه او تکمیل کنید.
- (۲) افسسیان ۵: ۲۲ تا ۳۳ را بخوانید و خود را آماده بحث راجع به روابط میان زن و شوهر که در جلسه آینده خواهیم داشت بنمائید. سؤالاتی که مربوط به این آیات دارید را نیز یادداشت کنید. بر اساس آیه اول یوحنا ۴: ۹، نظر خود را راجع به آنکه چه کسی مسئول وارد کردن محبت در خانه می باشد، معلوم کرده و آماده بحث راجع به آن نیز باشید.
- (۲) همه غذاهای روزانه را در هفته آینده تهیه کنید، چه احساس چنین کاری را دارید یا ندارید (۳۰).
(۴) صورتی از کارهایی که می توانید با همدیگر انجام دهید را فراهم سازید. حد اقل یک مورد از آن را در همین هفته انجام دهید. صورت تهیه شده را به جلسه آینده بیاورید.
- (۶) با همدیگر شطرنج بازی کنید (یا هر بازی دیگری که آموخته اید). به یاد داشته باشید که بازی شطرنج نیست (یا هر بازی دیگر) که مورد نظر می باشد، بلکه روابط زناشویی است.
- (۱) بعنوان سر خانواده، عبادت خانگی خود را آنطور که راجع به آن در جلسه قبل صحبت شد آغاز کنید.
- (۶) فهرست دلائلی که در نظر، شما مانع تغییر وضعیت شده اند را یادداشت کنید. سعی کنید هر دلیلی را صریح و واضح بیان کرده باشید. این سؤالات ممکن است به شما کمک کنند:
(الف) آیا حقیقتاً در کوشش و اجرای آنچه باید بکنم مسمم هستم؟

- (ب) آیا امیدی در آن میبینم؟
 (پ) آیا کماکان رنجیده خاطر هستم؟
 (ت) آیا موردی مربوط به موضوع هست که تا بحال فاش نکرده ام؟
 (۲) امور مربوط به کاریابی خود را در این هفته ادامه دهید، و آنچه کردید را یادداشت کنید و به جلسه آینده بیاورید. بیاد داشته باشید که شما بی کار نیستید، بلکه کار شما در حال حاضر، هشت ساعت در روز، جستن شغلی برای خود است.
 (۴) هر وقت متوجه خشم خود می شوید، این دو کار را بکنید:
 (الف) از خدا طلب کمک کنید.
 (ب) بلافاصله همسر خود را مطلع کرده و جلسه مشاوره دور میز را اجرا کنید (۳۱). با رعایت اصول جلسات، با همدیگر راجع به مسئله موجود صحبت کنید و راه حل آن را پیدا کنید.
 (۲) فهرست کار و رفتارهای کوچک ولی قابل توجهی که همسران را خوشنود خواهد کرد را تهیه کنید و روزانه یک مورد از آن را اجرا کنید. بطور مثال، از امشب شروع کرده و در موقع صرف شام، روی میز شمع روشن کنید.
 (۵) کارهایی که در چند هفته گذشته انجام شدند بسیار مفید بودند؛ از کوشش خود دست بر ندارید (اول قرننیاں ۱۰: ۱۲). برعکس، حال باید بیشتر تقلی کنید. سعی کنید هر آنچه در فهرستی که در دست دارید مانده را در این هفته تکمیل نمائید.
 (۱۱) نامه ای را به تمام کسانی که با ایشان مواد مخدر استعمال کرده اید بنویسید (اما با هیچ یک دیدار نکنید). برایشان بنویسید که مواد را ترک کرده اید و خیال دارید برای همیشه آن را ترک کنید، و لازم است بخاطر آنکه دچار وسوسه نشوید از هر یک دوری کنید. اول قرننیاں ۱۵: ۳۳ را چند بار بخوانید تا آن را حفظ کرده باشید.
 (۷) در این هفته تصمیم خود را بگیرید، آیا خیال دارید تکالیف خود را انجام دهید یا نه. دلیل ندارد وقت کسی را تلف کنید. اگر مشکلی هست که جلوی انجام آن را می گیرد با من در میان بگذارید و من کمک خواهم کرد آن را از میان بردارید. اما اگر حاضر نیستید همکاری کنید، خواهش می کنم وعده ملاقات هفته آینده خود را لغو کنید.
 (۳) فهرستی از اولویت های خود فراهم سازید (۳۲). کدام یک اولویت بیشتری را دارد؟ این فهرست را برای بررسی به جلسه آینده بیاورید.
 (۴) برنامه زمان بندی شده ای بر طبق آنچه خدا از شما می خواهد را فراهم سازید. حال آنچه نباید بکنید را نیز یادداشت کنید؟ چه کاری را بهتر می توانید انجام دهید؟ چیست که باید به کارهای هفتگی شما اضافه شود. مشکلاتی را که بر سر راه ایجاد می شوند را یادداشت کنید و به جلسه آینده بیاورید.

فهرست زیر نویس های فصل بیست و هشتم

- (۱) با کودکانی که به مدرسه می روند، بجای استفاده از نام تکلیف خانگی، بهتر است صحبت از “تمرین” یا “نقشه کار آموزی” بکنید. بزرگتر ها می فهمند که با ارائه تکلیف خانگی، جلسات مشاوره شامل آموزش و فراگیری است.
- (۲) همچنین به متی ۳: ۸؛ لقا ۳: ۸ و ۱۰ - ۱۴ رجوع کنید.
- (۳) امثال ۱۸: ۱۳ و ۱۷.
- (۴) “امید به تعویق افتاده، دل را بیمار می سازد، اما آرزوی برآورده، درخت حیات است” (امثال ۱۳: ۱۲). متقاضی را کمک کنید به یک یا دو عدد از آرزوهایش دست یابد و خواهید دید امید آنوقت شکوفا می گردد.
- (۵) مشاوران باید معلوم کنند که این اطمینان، به خدا و انجام کلام او بر پا شده و نه به خودشان. اول قرنیتیان ۱۰: ۱۲ آیه خوبی برای توجه به این موضوع مهم می باشد.
- (۶) البته نباید اجازه داد وقتی مسائل چند رشته ای نیز وجود دارند، متقاضیان به این تغییرات کوچک رضایت بدهند. گفتن آنکه این تازه اول کار است و تغییرات بیشتری باید ایجاد شود امکان آن را از میان بر می دارد.
- (۷) جلسات مشاوره یک بار در هفته تشکیل می شوند به این خاطر که متقاضی امکان صرف شش روز در هفته را داشته باشد تا زندگیش را مطابق به آنچه در جلسات صحبت از آن شده بنماید. در موارد استثنائی میتوان در هفته جلسات بیشتر را ایجاد کرد. اما چون تغییرات زمان می برند، هر چند متقاضی نیاز داشته باشد، جلسات نباید نزدیک به هم ایجاد شوند. حتی در مواردی که وقت زیادی برای انجام کار (یا تکلیف خانگی) لازم می باشد می توان جلسات را دو یا سه هفته در میان ایجاد نمود.
- (۸) البته همه گونه وابستگی ناصحیح نمی باشد. همه مسیحیان وابسته به خدا و یکدیگرند. در این جا ما صحبت از وابستگی ناصحیح می کنیم. یک مربی به کسانی که مربی می کند احترام می گذارد. او معتقد است که می تواند امکاناتشان را پرورش بدهد و می تواند بر درماندگی هایشان چیره شوند. مشاور خوب نیز این گونه است. به وسیله کلام و روح خدا امکانات خدا را می بیند. وقتی ما اهداف نهائیمان را روشن می کنیم (معمولاً انتظار داریم حل مسائل نهایتاً هشت هفته بطول بکشد)، وابستگی به خودمان را از میان بر می داریم.
- (۹) تکالیف خانگی را متقاضیان نیز می توانند برای خود طرح ریزی کنند. وقتی مشاور ببیند که متقاضی وارد جریان کار شده و مسئله خودش را با موفقیت حل می کند، او می تواند این برداشت را با دادن مسئولیت طرح تکلیف خانگی به خود متقاضی آن را ثابت کند. انتقال مسئولیت انجام این کار باعث می شود که متقاضی کمتر به شخص مشاور تکیه نماید. در خاتمه آخرین جلسه نیز مشاور می تواند تکلیف خانگی را چنین بنویسد: “تکلیف خانگی را در ابتدای هر هفته به مدت دو ماه برای خود بنویسید”. نمودار زیر طریق مربی این کار را نشان می دهد:



مربی کردن تعلیم را نیز همراه دارد. مشاوران مسیحی، بر خلاف "متخصصان" آزادند که به متقاضیان بگویند چکار دارند می کنند، چرا دارند آن را می کنند، چگونه دارند می کنند، و هدفشان از آن چیست. در حقیقت لازم می دانند این کار را بکنند. نتیجتاً تعلیمات زیادی برای انجام آن نیز لازم می شود. در جلسات اولیه که متقاضی در اعماق گرفتاری های خود می باشد، لازم به تعلیمات زیاد نیست. ممکن است او آماده پذیرش تعلیماتی را نداشته باشد. اما زمانی که مشاور کمک کرده مسئله ای را حل کند، او را باید تشویق کرد وقت لازم برای او صرف آموختن آنچه انجام گرفت و دلایل آن بکند. مشاور باید طریق کار کتاب مقدس را برایش بازگو نماید. این به مشاور اطمینان خواهد داد که متقاضی آموخته که چگونه در آینده از شکست خود جلوگیری کند، و اگر شکست خورد، خدا از او می خواهد چکار کند. زمانی که واقعه تکرار شد، او خواهد دانست چکار بکند؛ نیاز توکل به متخصص را نخواهد داشت. از طریق مشاوره آموخته چیست که خدا می خواهد و برای انجام آن چگونه عملاً از کلام خدا استفاده کند. در آیاتی که کلمه "نوتنتو" noutheteo استفاده شده، غالباً در دنباله آن از کلمه تعلیم نیز استفاده شده.

نوتنتو کلمه ای است که نویسنده این کتاب از آن استفاده کرده و نام نوتتیک Nouthetic را به طریق مشاوره خود داده (که کتاب راهنمای آن را در دست دارید). این کلمه را در دو آیه زیر مشاهده می کنیم:

کولسیان ۳

۱۶: کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود؛ و با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید.

کلمه "پند" در زبان اصلی یونانی نوتنتو می باشد.

رومیان ۱۵

۱۴: ای برادران، من خود این اطمینان را دارم که شما خود از نیکویی مملو، و از معرفت کامل برخوردارید و به پندگفتن به یکدیگر نیز توانایی.

کلمه "پندگفتن" در زبان اصلی یونانی نوتنتو می باشد.

معنی کلمه نوتنتو، در فکر گماردن، هشدار و نکوهش یا سرزنش کردن، و نصیحت کردن را دارد. به این خاطر نویسنده کتاب کلمه نوتتیک را به سه بخش: تغییر کردن، مواجه نمودن، و اهمیت دادن تقسیم کرده است. تغییر کردن بخاطر آن است که متقاضی زندگیش را موافق با خدا تغییر دهد. مواجه کردن صحبت از تغییری است که باید صورت بگیرد، و اهمیت دادن، نفع به کسی است که باید تغییر کند.

- (۱۰) راجع به شیوه کار فروید، اسکینر و غیره، به فصل دهم این کتاب رجوع کنید.
- (۱۱) در عبریان ۶: ۱ می خوانیم، "پس بیائید تعالیم ابتدایی درباره مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار توبه از اعمال منتهی به مرگ، و ایمان به خدا،" اصل موضوع پیشرفت در زندگی مسیحی، را با جواب به سؤال "در چه موقعیتی هست؟" بدست نمی آوریم، بلکه با جواب به آنکه، "چه قدر (یا به چه سرعت) تغییر یافته؟"
- (۱۲) مشاوران باید در خصوص متقاضیان زن، از هر صحبتی راجع به لباس، آرایش مو، و غیره خود داری کنند، مگر زمانی که تغییری در لباس، آرایش مو، جزء تکلیف خانگی بوده است. حتی در این موقع، باید سعی کرد جنبه رسمی به چنین تکلیف خانگی داده شود، چون معمولاً این موضوع ها جنبه شخصی دارد و ممکن است ایجاد برخورد سلیقه را ایجاد کند.
- (۱۳) ممکن است متقاضیان متوجه پیشرفت انجام شده نباشند، چون در حالی که چشم به راه نشانه خاصی می باشند، نشانه دیگری را نادیده بگیرند. بعنوان مثال، چون زن خانه داری انتظار شنیدن کلمات محبت آمیز از شوهرش بود، متوجه تغییر رفتار او نشد (مانند وقت بیشتری را که در خانه گذراند، مکالمه بیشتری با او، و غیره). مشاوران بعضی مواقع باید این گونه نادیده گرفتن ها را تذکر بدهند چون بجای آنکه پیشرفت را تشویق کنند، باعث دلسردی و نا

- امیدی می کردند. این گونه رفتار ها (اگر اجازه به آن ها داده شود) بیشترین صدمه را به پیشرفت می زنند. نتیجتاً مشاوران باید حواسشان متوجه پیشرفت های انجام گرفته باشد تا تشویق لازم به پیشبرد آن ها نیز داده شود.
- (۱۴) در این جا می بینیم که مشاور روی بر اطلاعات تأیید کننده کرده است. او می خواهد پشتوانه اساسی چنین برداشتی را بدست آورد.
- (۱۵) به عبارت دیگر، آنها در مواردی که قبلاً راجع به آن ها با هم دعوا می کردند، در هفته گذشته دعوا نکردند. این بحران یا ایجاد نشده بود یا از قصد از آن دوری کرده بودند.
- (۱۶) فهرست گناه خود ("ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود بهدرار" (متی ۷: ۵الف)، فهرست گناه دیگران، فهرست قبلیت ها، عطایا، امکانات، حرفه ها، و راه های خاص موجب مسرت دیگران فهرست های عمده مورد استفاده قرار گرفته می باشند (فصل بیست و نهم "فهرست نمونه").
- (۱۷) بر مشاور فشار می آورد تا تمرکز به راه حل ها و پیشرفت کند.
- (۱۸) هر وقت تکلیف خانگی متقاضی بصورت نوشته می باشد، از او بخواهید آن را برایتان بخواند. وقتی او آن را می خواند، (۱) مسئله ای بعداً در خوانا نبودن آن برای شما ایجاد نمی شود، (۲) شما در همان حال خواهید توانست برداشت های خود را بر روی کاغذ بنویسید.
- (۱۹) در صورت امتناع دائم از انجام کار، ممکن است انضباط کلیسا لازم بگردد.
- (۲۰) در بعضی مواقع، اگر ناهمکاری متقاضی ادامه پیدا کند، ممکن است انضباط کلیسا به آن شکلی که در متی ۱۸ می خوانیم لازم گردد.
- (۲۱) برای کودکان تکالیف باید شرح داده شوند. مشاور نمی تواند به او بگوید تخت خوابش را مرتب کند. باید والدین به او نشان بدهند مرتب کردن تخت خواب چگونه است. کلمه "پاک" برای دختر هفت ساله معنی کاملاً متفاوتی را با پسر هفت ساله دارد.
- (۲۲) هر طرف غصیه (یا همه) ممکن است باعث مسئله شده باشد. ادعا های گذشته بخشش نیز باید دوباره بازرسی شوند. باید "ثمری" شایسته توبه آورده شده باشد (متی ۳: ۸). این ثمر نیز لزوماً شامل میل بخشش می باشد.
- (۲۳) به فصل ششم این کتاب راجع به دادن امید از طریق کلام خدا رجوع نمائید.
- (۲۴) به قسمت "بشارت در مشاوری مسیحی" در کتاب "چتر بزرگ" The Big Umbrella رجوع نمائید. (این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۲۵) برای راهنمایی بیشتر در رسیدگی به ترس به فصل ۳۶ مراجعه کنید.
- (۲۶) هر تکلیف خانگی مربوط به مسئله خاصی است. تکلیف خانگی که معمولاً به متقاضی داده می شود شامل تعدادی از این تکالیف است.
- (۲۷) اعداد داخل پرانتز نشانه تعداد جلساتی می باشند که صرف این تکالیف گردیده اند.
- (۲۸) فرم "افشای الگوی مسئله" را در قسمت ضمیمه ها می توانید پیدا کنید.
- (۲۹) دو تکلیف خانگی قبلی (بالا) برای بدست آوردن اطلاعات ساخته شده بودند، ولی جنبه انجام کاری را نیز عهده دار بودند. این تکلیف خانگی بخصوص، مربوط به انجام کار است. اما نتیجه ای که دارد، و طریقی که به انجام رسیده اطلاعات جدیدی را نیز فاش می کنند.
- (۳۰) این تکلیف خانگی برای زن افسرده می باشد.
- (۳۱) چگونگی اجرای "جلسات مشاوره خانگی" را در قسمت تکالیف می توانید بیابید.
- (۳۲) به "راهنمای زندگی بر طبق اولویت ها" رجوع نمائید.